هویت جمعی غالب در جامعه چندفرهنگی ایران

محمدعثمان حسین بر

**دانشیار جامعه شناسی دانشگاه سیستان و بلوچستان**

mohb@lihu.usb.ac.ir

چکیده

*هویت جمعی در ایران معاصر به عنوان یک موضوع مهم مطرح بوده است. در سال های اخیر رویدادهای جهانی بر اهمیت این موضوع افزوده است. موضوع پژوهش حاضر بررسی وضعیت هویت جمعی و عوامل مؤثر بر آن در میان اقوام عمده ایرانی و مشخص کردن هویت جمعی غالب آنها است. چارچوب نظری این پژوهش، چارچوبی ترکیبی مبتنی بر نظریه‌های روان‌شناختی اجتماعی و جامعه‌شناختی است. روش تحقیق دراین پژوهش پیمایشی بوده و داده ها از طریق پرسشنامه محقق ساخته جمع آوری شده است. نمونه پژوهش شامل 1120 نفر از اقوام ترک، بلوچ، عرب، فارس، کرد و لر می باشد. نتایج پژوهش نشان داد که هویت جمعی اکثریت شهروندان (57 درصد) هویت ملی است. در میان قومیت های مورد بررسی، هویت جمعی غالب اقوام شیعه (ترک، عرب، فارس و لر) هویت ملی و هویت جمعی اقوام سنی (کرد و بلوچ) هویت قومی (محلی) می باشد. از نظر هویت قومی، کردها قوی ترین و فارس ها ضعیف ترین هویت جمعی را دارند. از نظر هویت ملی، اعراب و کردها به ترتیب از قوی ترین و ضعیف ترین هویت جمعی برخوردارند. از نظر هویت جهان وطنی، فارس ها دارای قوی ترین و بلوچ ها دارای ضعیف ترین هویت جمعی هستند. این مطالعه نشان می دهد که تعداد زیادی از متغیرهای مورد بررسی با هویت جمعی اقوام ایرانی رابطه معناداری دارند. مهمترین این متغیرها عبارتند از: سفرهای خارجی، رضایت از شرایط کشور، مطالعه روزنامه، نزدیکی بین مذهبی و اقامت در سایر استان های کشور.*

واژگان كليدي:هویت، هویت جمعی، هویت جمعی غالب، قومیت، ایران 

# مقدمه

ايران كشوري چندفرهنگي است. گروههاي قومي متعددي در اين كشور زندگي مي كنند. هركدام از اين گروهها، هويت قومي خاص خود را دارند. تعلق اين گروههاي فرهنگي به جامعة ايران، به ويژه بعد از شكل گيري دولت مدرن زمينه ساز شراكت آنها در يك هويت ملي يا فراقومي بوده است. از طرف ديگر با تشديد فرايندهاي جهاني شدن، به ويژه در چند دهة اخير، زمينه هاي شكل گيري يك هويت جهان وطني فراهم شده است. سؤال اینجاست که از میان این سطوح هویت جمعی کدامیک جنبۀ غالب دارد؟ و درنتیجه برای فرد مهمتر بوده و نسبت به آن احساس تعهد بیشتری می کند؟ براین اساس، دراين پژوهش هويت جمعی شش قوم از اقوام عمدة ايراني (آذري ها، بلوچ ها، فارس ها، عرب ها، کردها و لرها) مورد بررسی قرار گرفته است. بنابراین پرسش آغازين اين پژوهش اين است كه هويت جمعي غالب در میان اقوام ايراني چیست و تحت تأثير چه عواملي مي باشد؟

هويت به دسته اي از ويژگيها مربوط مي شود كه براي شناسايي يك شئ بكار مي روند و يا اينكه مي توان آنرا مجموعه اي از ويژگيهاي رفتاري يا شخصي دانست كه مي توانند براي شناسايي فرد بعنوان عضوي از يك گروه، مورد استفاده قرار گيرند(Houghton Mifflin Company,1992:896). براین اساس، هويت انسان به ويژگي يا ويژگيهايي برمي گردد كه برمبناي دو بعد تشابه و تمايز، موجب شناسايي او مي شوند. بنابراین، هويت هر فرد، معرفتي اجتماعي است كه مبتني بر يك يا تعدادي از ويژگيهاي منسوب به او مي باشد.این شناخت مبنایی برای احساس تعلق افراد است.

هویت ها را می توان به دو دستة هويت هاي فردي و هويت هاي جمعي طبقه بندی کرد.اين دسته بندي، برمبناي ابعاد اصلي هويت، يعني تمايز و شباهت، صورت گرفته است. مبناي اصلي هويت فردي، «تمايز از ديگران» و مبناي اصلي هويت جمعي «شباهت با ديگران» مي باشد. هويت فردي، هويتي است كه مبتني بر ويژگيهاي فردي بوده و موجب تمايز فرد از ديگران مي شود. هويت هايي نظير «تيزهوش»، «زرنگ» و «معلول» از نوع هويت هاي فردي هستند. هويت جمعي، هويتي است كه مبتني بر عضويت و تعلق فرد به يك جمع مي باشد. از اين دسته از هويت ها مي توان به هويت هايي نظير «عرب»، «شیعه»، «يهودي» و «ايراني» اشاره كرد (حسین بر، 1385).

تحقیقات متعددی در ارتباط با هویت های جمعی در ایران صورت گرفته است. برخی هویت های قومی و ملی را در سطح کشور (همانند چلبی، 1380)، برخی همین هویت ها را دربین گروههای خاص (همانند ربانی و همکاران، 1387)، برخی هویت های قومی را در استانی خاص (همانند توسلی و قاسمی، 1381) و برخی به صورت خاص هویت جمعی غالب مثلاً در بین دانشجویان (مروت، 1383) و یا ابعاد مختلف هویتی در بین دانش آموزان ( صباغ و شالفروش شتربانی، 1387) بررسی نموده اند. اما این تحقیق هویت جمعی غالب در بین اقوام عمده ایرانی را بررسی می کند.

چارچوب نظري اين پژوهش يك چارچوب تلفيقي است. از يك طرف در سطح كلان، نظريات تالكوت پارسونز (روشه، 1391) و مسعود چلبي (1375) در زمينة تعاملات بين گروهي و هويت جامعه اي و از طرف ديگر در سطح خرد، نظريه هاي جرج هربرت ميد، چارلز هورتون كولي (کوزر، 1377: 471-409) و استرايكر (ریتزر، 1377: 311-308 و Stryker and Burke, 2000) مورد استفاده قرار گرفته اند. همچنين از نظرية هويت اجتماعي ريچارد جنكينز (1381) و برخي نظريه هاي روان شناسي اجتماعي (Capozza and Brown, 2000; Tajfel and Turner, 1986 ) بهره گرفته شده است. براين اساس:

«خود» انسان مجموعه اي از هويت هاي فردي و جمعي است. اين هويت ها، در يك فرايند ديالكتيكي مبتني بر شناسايي و پذيرش متقابل بين فرد و ديگران و در جريان تعاملات اجتماعي و بويژه در فرايند جامعه پذيري شكل مي گيرند. هويت جمعي به عضويت فرد در يك گروه و احساس تعلق او به آن گروه اشاره دارد. با توجه به اينكه هر فرد عضو گروههاي گوناگوني است، هر انسان داراي هويت هاي جمعي متعددي مي باشد. اين هويت ها را مي توان در يك طيف خاص گرايانه- عام گرايانه قرار داد كه از هويت هاي جمعي كوچك و خاص گرايانه همانند هم خانواده شروع شده و به هويت هاي بزرگ و عام گرايانه ای همانند همنوع ختم مي شود. هويت هاي خاص گرايانه بطور عمده مبتني بر روابط درون گروهي و هويت هاي عام گرايانه عمدتاً مبتني بر روابط برون گروهي هستند. افراد هرچند هويت هاي جمعي متعددي دارند، اما در طيف ذكر شده، يكي از هويت هاي آنان، حداقل در یک برهۀ زمانی، هويت جمعي غالب بشمار مي رود. يا به قول استرايكر، از برجستگي بيشتري برخوردار است. اين هويت، هويتي است كه فرد به آن تعهد بيشتري دارد.

ویژگی هایی که افراد دارند، مبنایی برای عضویت های گروهی و شکل گیری هویت های جمعی افراد می باشند. بنابراین ویژگی هایی همانند جنسیت، سن، محل تولد، وضعیت تأهل، میزان تحصیلات، وضع فعالیت، شغل و میزان درآمد می توانند بطور مستقیم یا غیر مستقیم بر هویت جمعی افراد مؤثر باشند.

باتوجه به جایگاه اساسی خانواده در فرایند جامعه پذیری افراد، ویژگی های خانوادگی می توانند نقش مهمی در شکل گیری هویت های جمعی افراد ایفا نمایند. پایگاه اقتصادی- اجتماعی خانواده از ویژگی های اساسی آن بشمار می رود. بنابراین انتظار می رود ویژگی هایی همانند تحصیلات، شغل و درآمد پدر، مادر و همسر بر شکل گیری و میزان عام بودن هویت های جمعی افراد تأثیر بگذارند.

باتوجه به موضوع مورد بررسی و اهمیت گروههای قومی و مذهبی و مناسبات آنها در چارچوب کشور، عضویت های گروهی قومیت و مذهب اهمیت خاصی پیدا می کنند. اين عضويت ها كه در وهلة اول تعيين كنندة هويت جمعي محلي و يا خاص گرايانه افراد مي باشند، خود براساس مناسبات بين گروهي كه در بين اقوام و مذاهب كشور وجود دارد، مي توانند ميزان تمايل افراد را نسبت به ساير اقوام و مذاهب، درچارچوب يك هويت جمعي عامتر تعيين نمايند.

باتوجه به اينكه يك كشور ميداني تعاملاتي بين گروههاي مختلف موجود در آن محسوب مي شود، رضايت از اوضاع آن مي تواند در تعيين هويت جمعي غالب آنها نقش داشته باشد.

ويژگي هاي فردي و خانوادگي و عضويت هاي گروهي، غالباً بعنوان زمينه هايي عمل مي كنند كه به طور مستقيم يا غيرمستقيم موجب تعاملات بين گروهي و بويژه بين قومي مي شوند. اين عوامل از يك طرف مي توانند با فراهم كردن ميدان تعاملاتي در محيط زندگي، محل تحصيل، محل كار و محل سفر، موجبات آشنايي بين قومي، روابط بين قومي و نزديكي بين قومي می شوند و از طرف ديگر، باواسطة امكان دسترسي و استفاده از رسانه هاي جمعي، حوزة عمومي گسترده تر و البته غيرمستقيم تري را براي چنين تعاملاتي مهيا مي سازند. بنابراين اين عوامل، در نهايت، با ايجاد زمينه هاي تعاملاتي مستقيم و غيرمستقيم، موجبات ادراك فراگيرتر از عضويت هاي گروهي و در نتيجه هويت هاي جمعي عامتر مي شوند.

باتوجه به چارچوب نظری می توان فرضیه های تحقیق را به صورت زیر خلاصه و ارائه نمود:

* ویژگی های فردی شهروندان اقوام عمده ایرانی با هویت جمعی غالب آنها رابطه دارد.
* ویژگی های خانوادگی شهروندان اقوام عمده ایرانی با هویت جمعی غالب آنها رابطه دارد.
* عضویت های گروهی (قومی و مذهبی) شهروندان اقوام عمده ایرانی با هویت جمعی غالب آنها رابطه دارد.
* تعاملاات بین گروهی (میزان سفر و سکونت در خارج از استان) شهروندان اقوام عمده ایرانی با هویت جمعی غالب آنها رابطه دارد.
* مناسبات بین گروهی (میزان شناخت، اعتماد و نزدیکی بین قومی و بین مذهبی) شهروندان اقوام عمده ایرانی با هویت جمعی غالب آنها رابطه دارد.
* میزان رضایت شهروندان اقوام عمده ایرانی از اوضاع کشور با هویت جمعی غالب آنها رابطه دارد.
* میزان استفاده شهروندان اقوام عمده ایرانی از رسانه های جمعی با هویت جمعی غالب آنها رابطه دارد.

***روش تحقیق***

هويت جمعي، به عنوان متغير وابسته تحقيق، بصورت يك متغير رتبه اي با 3 ارزش هويت قومي، هويت ملي و هويت جهاني سنجيده مي شود.منظور از هويت جمعي در اينجا، سطحي از هويت جمعي افراد از ميان سطوح سه گانة قومي (محلي يا مادون ملي)، جامعه اي (ملي) و جهاني (فراملي) است كه براي فرد اهميت بيشتري داشته و برجسته شده است. اين سطح از هويت، هويت جمعي غالب فرد مي باشد. متغير هاي مستقل گوناگوني نيز مورد سنجش قرار گرفته اند. مهمترين اين متغيرها عبارتند از: ويژگي هاي فردي، ويژگي هاي خانوادگي، عضويت هاي گروهي، تعاملات بين قومي، ميزان استفاده از رسانه هاي جمعي، ميزان مسافرت و ميزان رضايت از اوضاع كشور.

جامعه آماري اين تحقيق، افراد 18 ساله و بالاتري بوده که قوميت فارس، ترک، لر، عرب، کرد و بلوچ داشته و به ترتيب در شهرهاي اصفهان، تبريز، خرم آباد، اهواز، سنندج و زاهدان ساکن بوده اند. حجم نمونه 1120 نفر بوده و با استفاده از فرمول كوكران برآورد شده و به شيوة نمونه گيري خوشه اي چندمرحله اي انتخاب شده است. تحقيق حاضر يك مطالعة پيمايشي بوده كه با استفاده از ابزار پرسشنامه (دارای ابزارهای سنجش با اعتبار یا روایی صوری و پایایی مبتنی بر ضریب آلفای کرونباخ) انجام شده است. تجزيه و تحليل داده ها در سطح توصيفي با استفاده از جداول يك بعدي و به كمك شاخص هاي مركزي همانند ميانگين، ميانه و نما، در سطح استنباطي يا تبييني، از جداول دو بعدي و آزمون هاي كاي اسكوئر ، ضريب توافق كرامر V ، كندال تاو b و c و گاما و براي تحليل چند متغيري، از جداول سه بعدي، تحليل رگرسيون و تحليل مسير صورت گرفته اند.

***يافته هاي تحقيق***

داده هاي حاصل از اين تحقيق نشان مي دهند كه:

* هويت جمعي غالب اكثريت پاسخگويان، درميان اكثر اقوام، هويت ملي مي باشد. بطوري كه درمجموع ، هويت جمعي غالبِ نزديك به 56% از پاسخگويان هويت ملي مي باشد. هويت قومي (7/28%) و هويت جهاني (7/15%) در رده هاي بعدي هستند.
* تنها درميان پاسخگويان بلوچ (5/49%) و كرد(50%)، هويت جمعي غالب، هويت قومي يا محلي مي باشد. با توجه به اينكه، پاسخگويان اين دو قوم، سني مذهب و ساير پاسخگويان شيعه مذهب هستند، مي توان گفت هويت جمعي غالب درميان اهل سنت، هويت محلي و درميان اهل تشيع، هويت ملي مي باشد.
* كردها (50%) و لرها (22%) به ترتيب داراي قوي ترين و ضعيف ترين هويت قومي هستند.
* عرب ها (5/68%) و كردها (7/36%) به ترتيب داراي قوي ترين و ضعيف ترين هويت ملي هستند.
* فارس ها (4/24%) و بلوچ ها (1/6%) به ترتيب داراي قوي ترين و ضعيف ترين هويت جهاني هستند.
* ازميان ويژگي هاي فردي، متغيرهاي سن، وضعيت تأهل، محل تولد، ، ميزان تحصيلات، وضع فعاليت و ردة شغلي افراد با هويت جمعي غالب آنها رابطة معناداري دارند.
* ازميان ويژگي هاي خانوادگي، متغيرهاي ميزان تحصيلات پدر، ميزان تحصيلات مادر، ميزان تحصيلات همسر، وضع فعاليت مادر، نوع و ردة شغلي پدر، نوع و ردة شغلي همسر و ميزان درآمد ماهيانة خانوار با هويت جمعي غالب آنها رابطة معناداري دارند.
* ازميان عضويت هاي گروهي، متغيرهاي قوميت و مذهب افراد با هويت جمعي غالب آنها رابطة معناداري دارند.
* از نظر تعاملات بين قومي (ميزان آشنايي، رابطه و نزديكي بين قومي و مذهبي)، ميزان اين تعاملات در مجموع كمتر از حد متوسط و نامتقارن است. به طوريكه باوجود بالابودن ميزان تعاملات اقوام ترك، بلوچ، عرب، كرد و لر با فارس ها، فارس ها تعاملات بسيار كمتري با آنها دارند. همين وضعيت در مورد تعاملات شيعه ها و سني ها نيز صدق مي كند. با اين تفاوت كه اين تعاملات ضعيف تر ولي تقارن آنها بيشتر است. از نظر تعاملات بين گروهي، ميزان آشنايي بين قومي، ميزان رابطة بين قومي، ميزان نزديكي بين قومي و ميزان نزديكي بين مذهبي افراد با هويت جمعي غالب آنها رابطة معناداري دارند.
* از نظر استفاده از رسانه هاي جمعي، متغيرهاي ميزان مطالعة مطبوعات، ميزان گوش دادن به راديوهاي خارجي، ميزان تماشاي تلويزيون هاي ماهواره اي و ميزان استفاده از اينترنت توسط افراد با هويت جمعي غالب آنها رابطة معناداري دارند.
* از نظر مسافرت، متغيرهاي ميزان سفر و ميزان سكونت افراد در خارج از استان مربوطه با هويت جمعي غالب آنها رابطة معناداري دارند.
* ميزان رضايت افراد از اوضاع كشور با هويت جمعي غالب آنها رابطة معناداري دارد.

از ميان متغيرهاي فوق، مهمترين عوامل مؤثر بر هويت جمعي به ترتيب اهميت عبارتند از: سفر به خارج از كشور، رضايت از اوضاع كشور، مطالعة مطبوعات، سكونت در خارج از استان و نزديكي بين مذهبي. اين عوامل بيش از 55 درصد تغييرات هويت جمعي را تبيين مي كنند. درحاليكه با افزايش ميزان مطالعة مطبوعات، ميزان سكونت در خارج از استان و نزديكي بين مذهبي، هويت جمعي غالب افراد عامتر مي شود، افزايش مسافرت به خارج از كشور و نارضايتي از اوضاع كشور مي توانند موجب خاص گرايانه تر شدن هويت جمعي غالب گردد. به نظر مي رسد اين عوامل با افزايش ميزان احساس محروميت و تبعيض (ازطريق مقايسة ايران با ساير كشورها و مقايسة قوميت خود با ساير اقوام و مرتبط كردن مشكلات با هويت ملي) موجب كاهش تعلقات و دلبستگي هاي ملي و جامعه اي مي شوند.

***بحث و نتيجه گيري***

انسان براساس عضويت در گروههاي مختلف داراي هويت هاي جمعي متعددي مي باشد. این هویت ها که در سطوح متعددی قرار دارند, مي توانند در كنار هم وجود داشته باشند و حتی همدیگر را تقویت کنند. ميزان اهميت و برجستگي اين هويت ها نسبت به همديگر به عوامل مختلفي بستگي دارد. اين امر در مجموع تحت تأثير يك رابطه متقابل و ديالكتيكي بين عوامل فردي و اجتماعي قرار دارد. ويژگي هاي فردي همانند سن، تحصيلات، فعاليت و شغل، در چارچوب خانواده (به عنوان يك گروه اوليه و اساسي در فرايند جامعه پذيري و شكل گيري هويت) و بويژه وضعيت اقتصادي و اجتماعي آن، زمينه هاي تعاملاتي بين گروهي موجود در سطح جامعه و نيز در سطحي فراملي و جهاني، به ويژه از طريق رسانه هاي جمعي و مسافرت و درك و رضايت افراد از اوضاع جامعه نقشي مهم در شكل گيري و برجسته شدن هويت هاي جمعي افراد دارند. نقش اين عوامل و روابط متقابل آنها بويژه در مورد جامعه چندفرهنگي ايران در تحقيق حاضر تأييد شده است. نتايج اين تحقيق همچنين نشان مي دهد كه تعاملات بين قومي، بويژه مداراي مذهبي، مي تواند نقش پررنگي در عامتر شدن هويت جمعي مردم يك كشور داشته باشد. ارتباطات فيزيكي، به ويژه از طريق مسافرت، و ارتباطات مجازي از طريق رسانه هاي جمعي مي توانند در اين رابطه نقش مهمي ايفا نمايند. به ويژه اگر درچارچوب يك جامعه مدني و حوزة عمومي (نزديك به آنچه يورگن هابرماس مطرح مي كند) صورت گيرند. درضمن فرايندهاي جهاني شدن موجب شده اند كه عوامل بين الملل در شكل گيري و برجستگي هويت هاي جمعي در افراد نقش پررنگي ايفا نمايند.

باتوجه به نتایج این تحقیق و در راستای عامتر نمودن هویت جمعی اقوام ایرانی، می توان استراتژی دیدار در خانه ایران را پیشنهاد کرد که مبتنی بر فراهم کردن فضای شناخت متقابل و تعاملات اقوام کشور در فضاهای واقعی و مجازی و بویژه رسانه های ملی می باشد.

منابع

امیرکافی، مهدی و حاجیانی، ابراهیم، نسبت هویت قومی و ملی در جامعه چند قومیتی ایران، فصلنامه راهبرد، سال بیست و دوم، 1392، شماره 66.

توسلی، غلامعباس و قاسمی، یارمحمد، مناسبات قومی و رابطه آن با تحول هویت جمعی، مجله جامعه شناسی ایران، دوره چهارم، 1381، شماره 4.

جنکینز، ریچارد،1381، هویت اجتماعی، ترجمه: تورج یاراحمدی، تهران، انتشارات شیرازه.

چلبی، مسعود، 1380، هویت های قومی و رابطه آن با هویت ملی در ایران، تهران، دفتر امور اجتماعی وزرات کشور.

چلبي، مسعود، 1375، جامعه شناسي نظم، تهران، نشر ني.

حسین بر، محمدعثمان،1386، هویت جمعی و نگرش به دموکراسی، پایان نامه دکتری تخصصی جامعه شناسی، دانشكدة علوم اجتماعي، دانشگاه علامه طباطبايي، دانشكدة علوم اجتماعي، دانشگاه علامه طباطبايي.

ربانی، علی، یزدخواستی، بهجت، حاجیانی، ابراهیم و میرزائی حسنعلی، بررسی رابطه هویت ملی و قومی با تاکید بر احساس محرومیت و جامعه پذیری قومی، مسائل اجتماعی ایران، سال 16، 1387، شماره 63.

ریتزر، جورج، 1377، نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر، چاپ سومم، تهران، انتشارات علمی.

صباغ، صمد و شالفروش شتربانی، آرزو (). بررسی ابعاد هویتی ( جهانی، ملی، قومی یا محلی و دینی) دانش آموزان دوره متوسطه و عوامل مرتبط با آن. مجله جامعه شناسی، سال اول، 1387، شماره 1.

كوزر، لوئيس، 1377، زندگي و انديشة بزرگان جامعه شناسي، ترجمة محسن ثلاثي، چاپ هفتم، تهران، انتشارات علمي.

مروت، برزو، 1383، «بررسي عوامل مؤثر بر هويت جمعي غالب در نزد دانشجويان دانشگاههاي سنندج»، پايان نامة كارشناسي ارشد جامعه شناسي، دانشكدة علوم اجتماعي، دانشگاه علامه طباطبايي.

Capozza, D. & Brown R. (2000). Social Identity Processes. London: Sage Publication.

Houghton Mifflin Company. (1992). The American Heritage Dictionary of the English Language. 3rd edition, Boston, 1992.

Stryker, Sh. & Burke, P. J. “The past, present, and future of an identity theory”, Social PsychologyQuarterly. 63(2000. 284-297.

Tajfel, H. & Turner, J. C. (1986). "The social identity theory of intergroup behavior", In S. Worchel & W. G. Austin (eds.), Psychology of Intergroup Relations, pp. 7-24, Chicago: Nelson-Hall.

**Mohammad Osman Hosseinbor**

**Associate Professor of Sociology, University of Sistan and Baluchestan**

mohb@lihu.usb.ac.ir

Abstract

Collective identity has been considered as an important issue in contemporary Iran. In recent years, global events have increased the importance of this issue. In present study, the condition of the collective identity among main Iranian ethnic groups was studied and their dominant collective identity (DCI) was distinguished. The theoretical framework of this study was a combined framework based on social psychological and sociological theories. The research method of the study was based on surveying. The data was collected through questionnaires. The sample of the study was consisted of 1120 people from the ethnic groups of Turks, Baloches, Arabs, Farses, Kurds and Lors. The results of the study showed that national identity is DCI among the majority of people (%57). It has found that among the ethnic groups, national identity is DCI of Shia groups (Turks, Arabs, Farses and Lors), while DCI of Sunni groups (Kurds and Baloches) is ethnical (local) identity. As far as ethnical identity is concerned, Kurds have the strongest and Farses have the weakest identity. Regarding to national identity, Arabs and Kurds have the strongest and weakest identity, respectively. In regard to cosmopolitan identity, Farses have the strongest and Baloches have the weakest identity. This study shows that a large number of variables have significant relationship with DCI of Iranian ethnic groups. But the ones that have the most influence on DCI are: the foreign trips, the satisfaction about the conditions of the country, reading newspapers, inter-religious closeness and living in other provinces of the country.

**Keywords:** Identity, Collective Identity, Dominant Collective Identity, Ethnicity, Iran.